

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

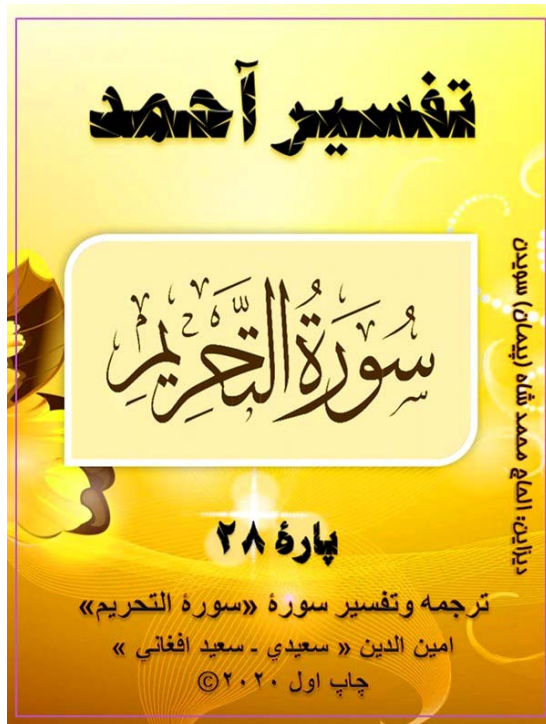
الحاج داکتر امین الدین «سعیدی-سعیدافغانی»

۲۱ جنوری ۲۰۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه و تفسیر سوره التحريم - ۴

سوره تحريم در مدينه منوره نازل شده و داراي دوازده آيت و دو ركوع مي باشد.



ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَامْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (۱۰)

خداوند درباره کافران، زن نوح و زن لوط را مثال می آورد ، که (آن دو) در نکاح دو بنده از بندگان صالح ما بودند ولی به آنان خیانت کردند پس آن (دو پیامبر) نتوانستند از (عذاب) الله چیزی را از آن (دو زن) دفع کنند و گفته شد: با واردشدگان به آتش (دزوخ) در آئید. (۱۰)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتِ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱)

و خداوند مثلی برای مؤمنان زده، به همسر فرعون، در آن هنگام که گفت پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در

بهشت بساز، و مرا از فرعون و عمل او نجات ده، و مرا از قوم ظالم رهائی بخش. (۱۱)

آسیه زن فرعون:

قرآن عظیم الشأن زنانی را به عنوان نمونه وزنانی با فضیلتی ذکر نموده ، که یکی از آنان آسیه زن فرعون است: که ذکر آن در آیت فوق به عمل آمده است.

تعبیر قرآن در این آیت این نیست که همسر فرعون نمونه زنان خوب است، بلکه می فرماید: زن خوب نمونه جامعه اسلامی است و جامعه باید از این زن عبرت گیرد، نه این که فقط زنان باید از او درس بگیرند.

آسیه در خانه ای زندگی می کرد که صاحب خانه ادعای خدائی و ربوبیت می نمود ، طوری که الله متعال می فرماید: «أَنَا رَبُّكُمْ أَلَعَلِّي» (نازعات، ۲۴) (پروردگار بزرگتر شما منم.) را داشت، و شعار «ما علمتُ لكم مِن إلهٍ غيري» (قصص، ۳۸) (برای شما خدائی غیر از خودم نمی شناسم.) در سر می پروراند و ادعای خدائی می کرد. او نه تنها دعوی خدائی می کرد بلکه ادعای خدا بودن را هم در انحصار خود قرار داده بود، طوری که در (آیت ۱) سوره اعلی (آمده است ک «سَيَحِ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلَى» (تسبیح کن نام پروردگار والای خود را.) کلمه اعلی مفهومی است که حصر را همراه دارد، بنابراین، دو نفر به عنوان اعلی نمی توانند یافت شوند، فرعون نیز با گفتن این کلمه داعیه انحصار داشت و این اعلی بودن را ادعا می کرد. او همانطوری که ادعای ربوبیت را داشت، مدعی توحید ربوبی هم بود.

او می گفت: نه تنها من خدایم، بلکه من، تنها خدا هستم. به جای «لا اله الا الله» شعار «لا اله الا انا» را سر می داد و در چنین فضائی زن با مؤمنه و ایمانی نشأت گرفت که نمونه ای از دیانت برای همه عالم بشریت است . مفسرین می نویسند زمانی که فرعون اطلاع حاصل کرد که همسرش خدا پرست است به دستور او شکنجه اش کردند تا زیر شکنجه جان داد.

آسیه زن فرعون که لقب ملکه موحد را کمائی نموده است در زیر شکنجه این چنین دست به دعا بلند می نماید « رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بِنْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».

زن به مثابه شمشیر دو سره:

خواننده محترم !

دشمنان اسلام در هر زمان تلاش کرده اند که به هر وسیله ممکن مسلمین را با احکام دین اسلام بیگانه کنند، یکی از مهمترین وسیله‌هایی که دشمن برای بیگانه ساختن مسلمین از دین شان به کار گرفته استفاده ابزاری از زن بوده است. زیرا نیمی از جمعیت مسلمین را زنان تشکیل می‌دهند و از طرفی زنان، مادر فرزندان و مردان مسلمان هستند که آن‌ها را تربیت می نمایند، بنابراین اگر زن صالح و نیکو باشد جامعه درست خواهد بود و اگر زن نادرست و فاسد گردد جامعه را نیز فساد در بر خواهد گرفت در نهایت جامعه فرو خواهد پاشید اینجاست می بینیم که دشمنان اسلام امروز و در عصر حاضر، تمام تلاش‌های خود را به وسیله رسانه های جمعی به فساد کشاندن زن صرف می نمایند. زن موجودی است که دارای استعداد خوبی است و اگر وظیفه اش را که تربیت فرزندان جامعه است بخوبی انجام دهد، این شایستگی را دارد که امتی را بسازد.

و به عکس اگر اخلاقش فاسد گردد و وظیفه‌هایی را که بر عهده دارد رها کند می تواند امتی را از بین ببرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم به چه زیبایی فرموده است: «إِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلَفُكُمْ فِيهَا، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النِّسَاءِ» (مسلم) همانا دنیا سرسبز و شیرین است و خداوند شما را بر آن خلیفه گردانیده تا ببینید که چگونه رفتار می کنید، پس بپرهیزید از دنیا و بپرهیزید از زنان، زیرا اولین فتنه‌هایی که بنی اسرائیل بدان مبتلا شدند زنان بودند.

و نیز فرموده: «ما تركت من فتنة بعدی في الناس اضر على الرجال من النساء»

(بخاری) بعد از درگذشت من خطرناک ترین فتنه ای که برای مردان از همه چیز مضرتر است زنان می باشند. می توان گفت که زن خوب، يك امت است زیرا نیمی از نفوس مردم را زن تشکیل می دهد و نیمی دیگر را نیز او به دنیا می‌آورد و تربیت می نماید.

وَمَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنَ الْفَاتِنِينَ (۱۲)

و همچنین مریم دختر عمران مثل آورد که دامان خود را از حرام پاک نگاه داشت، و ما از روح خود در او دمیدیم، او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد، و از مطیعان فرمان الله بود. (۱۲)

توضیحات:

«أَحْصَنَتْ»: استوار داشت. مصون و محفوظ داشت.

«فَرْجٌ»: عورت. شرمگاه (ملاحظه شود سوره های : مؤمنون :آیت ۵ ، نورآیات ۳۰ و ۳۱ و احزاب آیت : ۳۵).
«أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا»: (سوره: انبیاء :آیت ۹۱). «مِنْ رُوحِنَا»: از روح متعلق به خود. از روح ساخت خود (مراجعه شود: انبیاء : ۹۱ ، سجده: ۹، حجر : ۲۹) .

«كَلِمَاتٍ»: مراد اوامر و نواهی و وعده‌ها و وعیدهای الهی است.

«كُتِبَ»: کتاب‌های تورات موسی، و زبور داود، و صحف ابراهیم، و سایر کتاب‌های آسمانی.

«الْفَاتِنِينَ»: مطیعان و فرمانبرداران الهی، مواظبان طاعت و عبادت. مذكر آمدن آن، جنبه تغلیب دارد.

مریم زن یکتا پرست:

بی بی مریم اصلاً از شهر ناصره فلسطین است ، و در همان شهر چشم به جهان گشوده است ، در عهد جدید و قرآن عظیم الشان مادر حضرت عیسی علیه السلام معرفی شده است. و در زمان تولدش پدرش عمران فوت نموده بود.

به روایت اسلامی حضرت مریم دختر عمران، از نسل هارون و از طایفه لایوی بود ولی به روایت مسیحیان وی از لایوی نبود بلکه نسبش به حضرت داوود علیه السلام می رسید و از طایفه یهودا بود.

همچنان به روایت قرآن، همسر عمران، در هنگام حمل ، آنچه در رحم داشت، برای خدمت در بیت المقدس نذر کرد. با این که فرزند عمران، دختر بود، او را در خدمت گزاری معبد آزاد گذاشتند. او را مریم به معنی عبادت کننده نام نهاد. شوهرخاله اش زکریا توانست کاهنان را متقاعد کند تا مریم برای خدمتگزاری معبد سلیمان در اورشلیم ساکن شود. یگانه زنی که در قرآن عظیم الشان از او نام برده شده ، حضرت بی بی مریم می باشد که تقریباً سی و چهار بار ذکری از آن به عمل آمده است که البته اکثراً به هنگام نام بردن حضرت عیسی علیه السلام با نام عیسی بن مریم می باشد. ولی هست آیات قرآنی که به تنهایی نام مریم در آیات مبارکه آمده است که از آنجمله:

«يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران ۴۳) (ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده بجا آور !و با رکوع کنندگان رکوع کن)

و یا هم (آیت ۱۶ سوره مریم) که می فرماید : «وَأَنذِرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَدَّتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا» ؛ و در این کتاب (آسمانی) مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد و در ناحیه شرقی بیت المقدس قرار گرفت. و یا هم : «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَايِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان برتری داده است. (سوره آل عمران، آیت ۴۲)

و یا هم «إِذْ قَالَتِ الْمَلَايِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ» هنگامی که فرشتگان مریم را گفتند که خدا تو را به کلمه خود بشارت می دهد که نامش مسیح (عیسی) پسر مریم است، که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان (درگاه خدا) است. (سوره آل عمران، آیه ۴۵)

فضایل اخلاقی حضرت مریم:

در مورد فضایل اخلاقی حضرت مریم توجه شما را به آیت ۱۲ سوره تحریم جلب می‌نمایم که می‌فرماید: «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا» مریم را به خاطر عفتش می‌ستایید، و ستایش مریم علیهاالسلام در قرآن عظیم الشان مکرر آمده و شاید این به خاطر رفتار ناپسندی باشد که یهودیان نسبت به آن زن پاکیزه روا داشته و تهمتی باشد که ایشان به وی زدند، همچنین در «وَكَاثَتْ مِنَ الْقَاتِنِينَ» (آیت ۱۲ سوره تحریم) یعنی مریم از زمره کسانی بود که مطیع خدا و خاضع در برابر اویند و دائماً بر این حال هستند و اگر مریم علیهاالسلام را با این که زن بود، فردی از قانتین خواند با این که کلمه مذکور جمع مذكر است، بدین جهت بود که بیشتر قانتین مردان هستند. که منظور از قانتین عموم اهل طاعت و خضوع برای الله تعالی باشد. **پایان**

مکثی کوتاهی بر بعضی منابع و مأخذ

تفسیر «احمد»

۱- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم:

تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول تألیف: علامه جلال الدین سیوطی ترجمه: از عبد الکریم ارشد فاریابی.

۲- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤف مخلص هروی، «تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر: فتح القدیر شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر و هبه الزحیلی می‌باشد.

۳- تفسیر معالم التنزیل - بغوی (متوفی سال ۵۱۶ هـ):

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی می‌باشد. این تفسیر به زبان عربی نوشته شده، و از تفسیر الکشف و البیان ثعلبی بسیار متأثر می‌باشد.

۴- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۵۱۰ هجری / ۱۱۱۶ میلادی - ۱۲ رمضان ۵۹۲ هجری) «زاد المسیر فی علم التفسیر» مشهور به «زاد المسیر»، تفسیر متوسط ابن جوزی میباشد که: که این تفسیر خلاصه از تفسیر بزرگ وی بنام المغنی فی تفسیر القرآن می‌باشد.

۵- البحر المحيط فی التفسیر القرآن: ابو حیان الأندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (۶۵۴ - ۷۴۵ ق) مشهور به ابو حیان غرناطی. تفسیر «البحر المحيط» به زبان عربی می‌باشد.

۶- تفسیر تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفی ۷۷۴ ق) مشهور به ابن کثیر. (جلال الدین سیوطی، مفسر و قرآن‌شناس بزرگ اسلامی می‌فرماید:

این کثیر تفسیری دارد، که در سبک و روش همانندش نگاشته نشده است.)

۷- تفسیر بیضاوی:

یا «انوار التنزیل و أسرار التأویل»، مشهور به «تفسیر بیضاوی» در قرن هفتم هجری به زبان عربی نوشته شده. تألیف ناصر الدین عبد الله بن عمر بیضاوی (متوفی سال ۷۹۱ هـ)

۸- تفسیر الجلالین «التفسیر الجلالین»:

مؤلف جلال الدین محلی و شاگردش جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال ۸۶۴ و وفات جلال الدین سیوطی سال ۹۱۱ هـ) این تفسیر در قرن دهم هجری بزبان عربی واز معدود تفاسیری است که توسط چند عالم نوشته شده باشد.

۹- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن - طبری:

محمدبن جریر طبری متولد (۲۲۴ وفات ۳۱۰ هجری قمری) در بغداد ویا (۸۳۹ - ۹۲۳ میلادی) وی یکی از محدثین ، مفسر و مورخ مشهور سده سوم قمری است .

۱۰- تفسیر ابن جزى التسهیل لعلوم التنزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزى غرناطی الکلبی مشهور به جُزىّ (متوفی ۷۴۱ق) یکی از موجزترین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

۱۱- تفسیر صفوة التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود ۱۹۳۰ م) این تفسیر در سال ۱۳۹۹ق نوشته شده است. نویسنده در تدوین این تفسیر از مهم‌ترین و معتبرترین کتب تفسیر از جمله: تفسیر طبری، کشاف، قرطبی، آلوسی، ابن کثیر، البحر المحیط و... استفاده بعمل آورده است .

۱۲- تفسیر ابو السعود:

«تفسیر ارشاد العقل السلیم إلى مزايا الكتاب الکریم» تألیف: مفسر شیخ ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفی عمادی (متوفی ۹۸۲) از علمای ترک نژاد می باشد.

۱۳- تفسیر فی ظلال القرآن:

تألیف: سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ) .

۱۴- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - قرطبی:

نام مؤلف: الام ابو عبد الله محمد بن احمد الانصاری القرطبی (متوفی سال ۶۷۱ هجری)

۱۵- تفسیر نور دکتر مصطفی خرم دل:

نام کامل تفسیر نور : «ترجمه معانی قرآن» تألیف : دکتر مصطفی خرم دل از کردستان : (متولد سال ۱۳۱۵ وفات ۱۳۹۹).

۱۶- تفسیر المیسر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرني (اول جنوری ۱۹۵۹ مطابق ۱۳۷۹ میلادی)

۱۷- تفسیر معارف القرآن:

مؤلف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور

۱۸- تفسیر خازان:

نام تفسیر : « لباب التاویل فی معانی التنزیل خازان » تألیف: علاء الدین علی بن محمد بغدادی مشهور به خازان (متولد ۶۷۸ و متوفای ۷۴۱ هجری می باشد).

۱۹- روح المعانی (آلوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر محمود أفندی آلوسی است. (۱۲۱۷ - ۱۲۷۰ق)

۲۰- جلال الدين سيوطي:

«الاتقان في علوم القرآن» تفسير الدار المنثور في التفسير با لمأثور»

مؤلف: حافظ جلال الدين عبد الرحمن بن ابى بكر سيوطى شافعى . (۱۴۴۵- ۱۵۰۵م)

۲۱- زجاج: «تفسير معانى القرآن فى التفسير»:

مؤلف: أن الزَّجَّاج أو أبو إسحاق الزَّجَّاج أو أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن السرى بن سهل الزجاج البغدادي است

(۲۴۱ هجرى - ۳۱۱ هجرى ۸۵۵ - ۹۲۳ - ميلادى)

۲۲- تفسير ابن عطية:

نام كامل تفسير: «المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز ابن عطية» بوده

مؤلف آن: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (المتوفى: ۵۴۲هـ)

۲۳- تفسير قتادة:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكاية الدوسى بصرى (۶۱ هـ - ۱۱۸ هـ، ۶۸۰-۷۳۶م)

وى از جمله تابعين بوده ، وى علم لغت و تاريخ عرب و نسب شناسى، حديث، شعر عرب، تفسير، علم داشت و حافظ بود ، در بصره عراق زندگى بسر برده ولى نابينا بود. امام احمد حنبل درباره او مى گويد: «او با حافظه ترين اهل بصره بود و چيزى نمى شنيد مگر اينكه آن را حفظ مى كرد، من يك بار صحيفه جابر را براى او خواندم و او حفظ شد.» حافظه او در طول تاريخ ضرب المثل بود. او در عراق به مرض طاعون در گذشت.

۲۴- تفسير بياضوى:

تفسير البياضوى (انوار التنزيل و اسرار التأويل) مؤلف: مفسر كبير جهان اسلام شيخ ناصرالدين عبدالله بياضوى .

۲۵- تفسير كشاف مشهور به تفسير زمخشرى.

«تفسير الكشاف عن حقايق التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل» مشهور به تفسير كشاف. مؤلف: جارالله

زمخشرى (۲۷ رجب ۴۶۷ - ۹ ذىحجه ۵۳۸ هـ)

۲۶- تفسير مختصر:

تفسير ابن كثير: مؤلف: ابو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب طبرى مشهور به جرير طبرى متولد ۲۲۴ وفات ۳۱۰ هجرى قمرى در بغداد (۲۱۸ - ۳۰۱ هجرى شمسى . تاريخ طبرى مشهور به پدر علم و تاريخ و تفسير است.

۲۷- مفسر صاوى المالكي :

«حاشية الصاوي على تفسير الجلالين فى التفسير القرآن الكريم» مؤلف: احمد بن محمد صاوى (۱۱۷۵-۱۲۴۱ق)

است.

۲۸- فيض البارى شرح صحيح البخارى: داکتر عبد الرحيم فيروز هروى

۲۹- صحيح مسلم - وصحيح البخارى: (گرد اورنده : مسلم بن حجاج نيشاپورى مشهور به امام مسلم که در سال ۲۶۱

هجري قمرى وفات نمود .

وگرد اورنده صحيح البخارى : حافظ ابو عبد الله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن مغيرة بن بردزبه بخارى (۱۹۴ -

۲۵۶ هجرى)

۲۶- سعيد حوى :

حَوّی، سعید، حَوّی، سعید، مفسر «الاساس فی التفسیر» (یازده جلد؛ قاهره ۱۴۰۵)، که از مهم‌ترین و اثرگذارترین آثار حوی به شمار می‌آید.

۳۱- مفردات الفاظ القرآن: از راغب اصفهانی. (خیر الدین زرکلی در کتاب «الأعلام» گفته: او اهل اصفهان بود اما در بغداد سکونت گزید، ادیب مشهوری بود، و در سال ۵۰۲ هجری قمری وفات کرد». امام فخرالدین رازی در کتاب «تاسیس التقدیس» در علم اصول ذکر کرده که راغب از ائمه اهل سنت است و مقارن با غزالی بود. (بغیة الوعاة ۲ / ۲۹۷، وأساس التقدیس صفحه ۷). .